

# کیفیت آموزش در فنی و حرفه‌ای

بای صحبت دکتر حسینی مقدم، مدیر کل دفتر آموزش های فنی و حرفه‌ای

## اشاره

تأثیر نقش هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای در توسعه و ایجاد اشتغال کجاست؟ برنامه‌ای که نزدیک به صد سال از قدمت آن می‌گذرد، چه تأثیری بر برنامه‌های کلان کشور دارد؟ این برنامه در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴، در برنامه پنجم توسعه، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، در اقتصاد مقاومتی و در سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغیه مقام معظم رهبری چه جایگاهی دارد؟ چرا هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای که با ایجاد مهارت‌های شغلی تأسیس شد، از نگاه جامعه، مکان مناسبی برای آموزش نیست؟ پاسخ به این ابهامات را در گفت‌وگوی ما با دکتر حسینی مقدم بخوانید:

● آقای دکتر حسینی، ما از سوابق علمی و کاری شما مطلعیم، لطفاً برای خوانندگان ما نیز شمه‌ای از سوابق علمی و کاری‌تان بگویید.

○ فارغ‌التحصیل دکترای دامپزشکی از دانشگاه تهران هستم. از سال ۶۸ در قسمت‌های مختلف آموزش و پرورش خدمت کرده‌ام. از سال ۷۸ در هنرستان‌ها به‌عنوان هنرآموز مشغول به کار شده و تاکنون در سمت‌های مختلفی فعالیت کردم. سال ۸۸ وارد آموزش‌شده‌های فنی و حرفه‌ای شدم و به‌عنوان مدرس، معاون مالی اداری و رئیس آموزش‌شده انجام وظیفه کردم. الان هم در آموزش و پرورش و در دفتر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشغول خدمت می‌باشم.





کار می‌شوند، بعضی‌ها دوره پنج ساله را طی می‌کنند و فوق‌تکنسین می‌شوند. در حقیقت در شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و شاخه کاردانش با تعریف‌های جداگانه‌ای از هم تفکیک شده‌اند. یعنی کارگر ماهر و نیروهای ماهر تربیت می‌کنند. دوستی تعریف می‌کرد که در سفر به کشوری، همراه با دوستان، برای بازدید به مدرسه‌ای می‌روند. می‌بینند در آنجا دانش‌آموزانی با تیپ‌های خاصی حضور دارند. مدرسه در کنار کارخانه‌ای بود که این‌ها برای کار می‌رفتند آنجا و تا مقطع دیپلم درس می‌خواندند و بعدا وارد بازار کار می‌شدند. این گروه بعد به هنرستان دیگری می‌روند. در آنجا می‌بینند دانش‌آموزان لباس کار دارند و در کارگاه فعالیت می‌کنند. مسئولان آنجا می‌گویند که این‌ها دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای هستند که بعد از اخذ دیپلم، دوره دوساله را می‌گذرانند و برای فوق‌دیپلم آموزش می‌بینند. این‌ها نشان می‌دهد در دیگر کشورها هم رشته‌های کاردانش و شاخه‌های فنی و حرفه‌ای تقریباً از هم جدا وجود دارد.

● **در کشور ما ادامه تحصیل برای خانواده‌ها حیاتی است و همین مانع از رفتن بچه‌ها به سمت فنی و حرفه‌ای و کاردانش می‌شود؟**

○ متأسفانه در جامعه ما تحصیل مساوی با رفتن به دانشگاه تعریف می‌شود. یکی از علت‌هایی که جامعه ما اقبال کمی به سمت شاخه‌های فنی و حرفه‌ای یا کاردانش دارد این است که پدر و مادرها می‌گویند بعد از دیپلم وضعیت بچه‌های ما به چه صورت خواهد شد. تا وقتی آموزش‌شده‌ها در آموزش و پرورش بودند، خیلی‌ها می‌دانستند که بلافاصله هنرجویان بعد از تحصیل در هنرستان وارد آموزش‌شده‌ها می‌شوند و عملاً دوره ۵ ساله‌ای را که برای فنی و حرفه‌ای تعریف شده بود، می‌گذرانند. اما الان با جدا شدن آموزش‌شده‌ها از آموزش و پرورش و محدودیت‌هایی که در جذب دانشجو دارند، باعث شده خیلی‌ها ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر را در هاله‌ای از ابهام ببینند و تمایل به تحصیل در هنرستان‌ها کمتر شود.

اما تعریف ما از فنی و حرفه‌ای ایجاد اشتغال است، برای اینکه تکنسینی تربیت کنیم که نیاز بازار کار و کارخانه‌ها را تأمین کند، ولی متأسفانه در جامعه ما چون بعد از فوق‌دیپلم امکان ادامه تحصیل وجود ندارد، رویکرد به سمت شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش کم شده است. این عوامل باعث شد که دست‌اندرکاران چند سال پیش پیش‌بینی کردند که

● **ضرورت جداسازی فنی و حرفه‌ای از کاردانش چیست؟ ظاهراً هنوز جامعه این دو را در کنار هم می‌بینند.**

○ از ابتدای تشکیل شاخه کاردانش تا ۳-۴ سال پیش این دو شاخه از هم جدا بودند تا اینکه تصمیم به ادغام آن‌ها گرفته شد اما در اواخر سال ۹۲ تفکیک دو شاخه در دستور کار قرار گرفت و ملاک هم اهداف و وظایف این دو شاخه است. اهداف شاخه فنی و حرفه‌ای، تربیت تکنسین است. و اهداف شاخه کاردانش تربیت نیروی کارگر ماهر است. بخشی از دانش‌آموزان، به دلایل مختلف، از جمله علاقه، استعداد، شرایط خانوادگی و... با افت تحصیلی مواجه بودند و خیلی از این افراد از چرخه آموزش و پرورش خارج می‌شدند. به‌خاطر اینکه این افراد در این سن که سن فراگیری مهارت است در چرخه باقی بمانند، شاخه کاردانش ایجاد شد تا دانش‌آموزانی که استعدادی در رشته‌های خاص دارند، بتوانند آموزش ببینند. اما از قبل هم ورودی‌های شاخه فنی و حرفه‌ای، بچه‌هایی بودند که از نظر استعداد ریاضی خوب بودند. همین الان هم در درس‌های عمومی‌شان، مثل ریاضی، فیزیک و شیمی، در زمینه محتوا مخصوصاً در رشته‌های زمینه صنعت، با شاخه نظری برابری می‌کند. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت که هنرجویان شاخه فنی و حرفه‌ای دروس آکادمیک بیشتری را نسبت به هنرجویان شاخه کاردانش می‌خوانند و با پایه علمی قوی‌تری وارد بازار کار می‌شوند. شاخه فنی و حرفه‌ای باید تکنسین تربیت کند. تکنسین حلقه واسط بین مهندس فنی و کارگر ماهر است.

● **آیا این تغییر و تحولات در جاهای دیگر دنیا هم رخ داده و نمونه مشابهی در این مورد وجود دارد؟**

○ بله. اما ممکن است حالا اسم آن به معنای خاص فنی و حرفه‌ای یا کاردانش نباشد اما همان مفهوم را دارد. در یکی از کشورهای دنیا - مصر - از کلاس چهارم ابتدایی، هدایت تحصیلی برای شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش مشخص می‌شود. وقتی بچه‌ها دوره راهنمایی را طی می‌کنند، برای ورود به سال اول دبیرستان مشخص شده چه مهارتی را یاد بگیرند تا در بازار کار وارد شوند. آن‌هایی که می‌خواهند به‌عنوان تکنسین در جامعه کار کنند، وارد شاخه‌های فنی و حرفه‌ای می‌شوند. بعضی دوره‌های دوساله را طی می‌کنند و به‌عنوان تکنسین وارد بازار

**هنرفنی و حرفه‌ای این است که بتواند بین مغز و دست دانش‌آموز ارتباط ایجاد کند**



باید با تفکر و تکیه  
بر تجربیات گذشته،  
جوهر کار را در  
وجود هنر جوان  
ایجاد کنیم

فارغ التحصیلان شاخه کاردانش هم وارد دانشگاه شوند و بتوانند به مقاطع بالاتر تحصیلی دسترسی یابند اگرچه ادامه تحصیل شاید خوب باشد اما با اهداف این شاخه فاصله داشت. چون دانش‌آموزی که مدرک دانشگاهی بگیرد، به اصطلاح ما فنی‌ها، دیگر آچار به‌دست نخواهد شد. چون فکر می‌کند حالا که لیسانس گرفته باید پشت میز بنشیند. باید در جامعه فرهنگ‌سازی شود تا بچه‌های هنرستانی با گرفتن دیپلم بتوانند مشغول به کار شوند. بخشی از شاخه فنی‌و حرفه‌ای، تکنسین تربیت شوند و وارد دانشگاه شوند البته در همین شاخه فنی‌و حرفه‌ای هم لازم نیست همه وارد دانشگاه شوند. متأسفانه رفتن به دانشگاه نزد خانواده‌ها ملاک موفقیت شده است. مدتی پیش در یکی از هنرستان‌ها، یکی از همکاران هنرآموز همان هنرستان می‌گفت اگر بچه من بعد از فارغ‌التحصیلی نتواند تحصیل ادامه دهد و لیسانس بگیرد، ترجیح می‌دهم که بچه‌ام در دبیرستان درس بخواند. یعنی هنوز فرهنگ اشتغال و فرهنگ کارآفرینی در جامعه ما جانیفتاده. متأسفانه باید گفت به جز جامعه، حتی در خود مجموعه آموزش و پرورش هم هنوز جا نیفتاده است.

● فرهنگ اشتغال و کارآفرینی جانیفتاده یا صنعت پذیر نیست؟ مثلاً در رشته جواهرسازی بچه‌را در کاردانش تربیت می‌کنیم و می‌فرستیم توی محیط کار. اما خانواده نگران است که بچه هفده هجده ساله‌اش را بفرستد. می‌گوید چهار سال دیگر سرش به دانشگاه گرم باشد تا کمی بزرگ‌تر شود. اشکال از فرهنگ بازار کار است یا فرهنگ خانواده یا کارآفرینی مان ضعیف است؟

○ بازار کار یک قسمت از قضیه است، خانواده قسمت دیگر و آموزش و پرورش هم قسمتی دیگر از این قضیه. یعنی همه این‌ها باید دست به دست هم بدهند تا مجموعه شرایط مهیا شود. اگر نوجوان بازار کار را سخت قبول می‌کند برمی‌گردد به خودمان؛ چون او آموزش‌های لازم را که باید یاد بگیرد یاد نگرفته است. با هنرآموز و مدیر هم صحبت کنی، اولین مطلبی که می‌گوید این است که چه امکانات و تجهیزاتی به من دادید که بتوانم آموزش خوب بدهم؟ یعنی مجموعه عوامل دست به دست هم می‌دهند. خانواده هم وقتی بچه را در مدرسه ثبت‌نام می‌کند، چون بالای آن تابلوی وزارت آموزش و پرورش نصب

شده، مطمئن است. می‌داند آموزش و پرورش یعنی چه؟ ولی وقتی بخواهد بچه را ببرد به محیط کار، نگران می‌شود. به‌خصوص در مورد دختران. به‌همین جهت سیاستی که ما در دفتر پیگیری می‌کنیم و به همه هنرستان‌ها اعلام کردیم با وجود اینکه در واحدهای درسی، کارآموزی تعریف شده و آشنایی با محیط کار مهم است، تا جایی که امکان دارد کارآموزی را در هنرستان بگذرانند. مخصوصاً در بخش دختران. من و شما دوازده سال روی دانش‌آموز زحمت می‌کشیم و او را با فرهنگ مورد نظر خود تربیت می‌کنیم. اما دو سه ماه که می‌رود به محیط کار، با اصطلاحات یا واژه‌هایی آشنا می‌شود که تمام آن چیزی را که ده دوازده سال برای زحمت کشیدیم از بین می‌رود. لذا ترجیح می‌دهیم بچه‌ها تا جایی که امکان دارد در هنرستان بمانند. در تابستان در کارآموزی در بخش آموزش همراه با تولید فعال شوند. برای هنرستان‌ها طرحی را تعریف کردیم تا دانش‌آموزان را در همان‌جا به کار بگیرند. خانواده‌ها هم راضی می‌شوند. ما در بررسی از خانواده‌ها و مدیران دیدیم اتفاق نظر دارند که دانش‌آموز در هنرستان نگهداری شود. مدیری می‌گفت اگر دانش‌آموز اینجا بماند، در هنرستان در تابستان، قول می‌دهم تمام روپوش‌های دخترانه مدرسه شهرستان را تأمین کند. حتی می‌گوید نصف قیمت بازار تأمین می‌کند.

من خودم سر کلاس‌های هنرستان به هنرجویان می‌گفتم اگر بیرون رفتید انتظار نداشته باشید که مثلاً در یک مجموعه مرغداری یا گاوداری یا هر جای دیگر از شما به‌عنوان کارشناس استفاده کنند. قطعاً کسی که شما را برای کار انتخاب می‌کند، ممکن است ابتدای کار بگوید شیشه‌ها را تمیز کن، فرقون ببر و بیار و... شاید بخواهد شما را امتحان کند که چقدر کاری هستید. چون خیلی از بچه‌ها وقتی وارد محیط کار می‌شوند اصلاً تحمل امر و نهی ندارند، غرور جوانی هست. بالاخره در هنرستان اطلاعاتی را فراگرفته و بعد رفته کارگاه یا کارخانه و آنجا استادکار به او می‌گوید برو این قوطی روغن را سوراخ کن و بیاور. اجازه نمی‌دهد ابتدا با موتور ماشین کار کند. این روش ممکن است سبب شود دانش‌آموز زده شود. جوان هم هست و غرورش مثلاً جریحه‌دار شود. یکی از دوستان تعریف می‌کرد برای کار پژوهشی به چند استان رفتیم. در جایی چند نفر از دختر خانم‌ها را دیدم که قبلاً در هنرستان آموزش دیده بودند و برای کارآموزی آنجا بودند. از مسئول آنجا پرسیدم راضی



**در اجرای قانون  
برنامه پنجم  
تعیین شده  
دانش آموزان دوره  
متوسطه نظری باید  
در طول این سه  
سال یک مهارت را  
حتما یاد بگیرند**

نشان می‌دهد که در هنرستان‌ها، علیرغم کمبود تجهیزات، کار در حال انجام است. ولی خودمان هم اقرار می‌کنیم که نیازهای بازار کار را تأمین نمی‌کند. مخصوصاً اینکه صنعت هم مدام در حال به‌روز شدن است. این به‌روز شدن باعث شده که ما هم این تفکر را میان همکاران هنرآموز و مدیران مجموعه فنی‌وحرفه‌ای ایجاد کنیم که این‌طور نیست که کارآموز حتماً و همیشه بیرون از هنرستان کار عملی انجام دهد. آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای باید به این سمت کشیده بشود. چون اگر امسال در رشته‌ای کارآموز تربیت کنیم، سه سال بعد قطعاً بازار کار و دستگاه‌ها و وسایل تغییر پیدا کرده. بنابراین باید با تفکر و تجربه، جوهر کار را ایجاد کنیم. متأسفانه الان تفکر غلطی رایج است، و نزد خود ما آموزش پرورشی‌ها هم وجود دارد که تحقیقات و مطالعاتی انجام می‌دهند که مثلاً چند نفر از فارغ‌التحصیلان فنی‌وحرفه‌ای مشغول کارند. در سرشماری سال ۹۰ که انجام شده اعلام شده سه میلیون فارغ‌التحصیل فنی‌وحرفه‌ای داریم که یک میلیون و پانصد هزار نفرشان مشغول به کارند. یعنی در آن سال هشتصد هزار نفر دنبال کار بودند و هفتصد هزار دیگر دنبال کار هم نبودند. چون مهارتی بلد نیستند. ضرورت یادگرفتن یک مهارت برای دانش‌آموزان

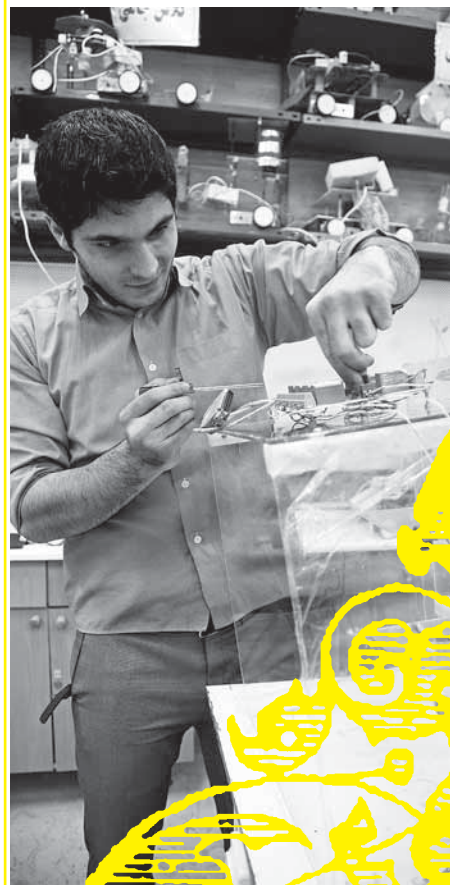
هستی؟ نگفت راضی‌ام. اما گفت من یکی‌شان را که واقعاً خوب کار می‌کند و علاقه‌مند به کار است برای ادامه کار و همکاری انتخاب کردم. اما چون دیدم ممکن است آن چند نفر دیگر بروند جای دیگر و خدای ناکرده مشکل پیدا کنند، و با اینکه می‌دانم بعضی‌هایشان توانایی کار کردن ندارند و وقت می‌گذرانند، ولی ترجیح می‌دهم همین‌جا کارآموزی کنند. اینکه بخش خصوصی به کارآموزان اقبال نشان نمی‌دهد یکی همین موضوع کیفی آموزش است. کارخانه‌ای رفتیم که در آن ده کارآموز مشغول بودند. کارفرما می‌گفت قیمت این دستگاه که کارآموز شما با آن کار می‌کند، مثلاً، دویست میلیون پول آن است و من حاضرم دستگاه را به شما بدهم، در هنرستان بگذارید، کارآموزها آنجا با این دستگاه کار کنند. چون اینجا، هم جلوی دست‌وپای کارگر مرا می‌گیرد و هم ممکن است مشکلات دیگری ایجاد کند. کوچک‌ترین مشکل برای‌شان پیش بیاید بیمه گرفتاری پیش می‌آورد. به‌همین جهت بخش خصوصی برای پذیرش هنرجوی کارآموز ما دچار تردید است.

نظر مجموعه فنی‌وحرفه‌ای این است که دانش‌آموزی تربیت کند که حتماً در بازار کار اشتغال پیدا کند. یعنی اگر روزی کسی پیشنهاد کار داد، از کار کردن ترسند. هنر فنی‌وحرفه‌ای این است که

بتواند بین مغز و دست دانش‌آموز ارتباط ایجاد کند. با اینکه همیشه می‌گوییم هنرستان‌های ما کمبود امکانات و تجهیزات دارند، یا در ذهن جامعه این‌طور جا افتاده که هنرستان‌ها محل دانش‌آموزان ضعیف و کم استعداد است، ولی شما به هر هنرستانی بروید، بدترین تجهیزات را هم که داشته باشد اما می‌بینید در ساعات‌های عملی بچه‌ها مشغول‌اند. به‌عنوان مثال در رشته‌های برق، از ده دستگاه دو تایی آن هم کار کند، بچه‌ها نشسته‌اند و با علاقه با این دو تا دستگاه کار می‌کنند. این



## اطلاعات مشاوران ما در مورد شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش کم است. به همین جهت اکنون که نظام جامع هدایت تحصیلی در حال تهیه است از اعضای کار گروه از دفاتر فنی و حرفه‌ای و کار دانش هم عضو هستند



به‌حدی مهم است که در اجرای قانون برنامه پنجم تعیین‌شده دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری باید در طول این سه سال یک مهارت را حتماً یاد بگیرند. یعنی قانونگذار هم به اینجا رسیده که دانش‌آموز باید مهارتی را یاد بگیرد. به مرکز فنی و حرفه‌ای استانی رفته بودیم. خواستیم ابتدا امکانات آنجا را ببینیم. پرسیدیم بیشترین مراجعه‌کنندگان شما چه کسانی هستند؟ گفتند بیش از همه، افرادی هستند که لیسانس و فوق‌لیسانس گرفته‌اند و الان آمده‌اند شش ماه، یک سال مهارتی هم یاد بگیرند تا بتوانند شغلی پیدا کنند. درحالی که ما در آموزش و پرورش این پتانسیل را داریم یعنی خانواده چهار سال فرزند خود را می‌فرستد نظری، چهار سال دانشگاه دو سال فوق‌لیسانس، بعد دوباره برمی‌گردند همان جایی که ما داریم با بچه‌ها کار می‌کنیم. این باید در جامعه شناخته بشود که بچه‌های ما وقتی لیسانس گرفتند، تازه می‌خواهند مهارتی یاد بگیرند.

### ● برنامه‌های آینده شما برای ارتقای کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای چیست؟

○ ما با توجه به سیاست‌های وزارت متبوع، که بحث ارتقای کیفیت آموزشی را محور کار قرار داده است، در شاخه فنی و حرفه‌ای نیز ارتقای کیفیت آموزشی و به‌عبارت دیگر توسعه کیفی را تعریف کرده‌ایم. در حال حاضر از مجموع دانش‌آموزان دوم و سوم متوسطه تقریباً نزدیک به ۳۳۰ هزار نفر در شاخه فنی و حرفه‌ای مشغول به تحصیل هستند. طبعاً بخشی از دانش‌آموزان هم پایه اول هستند که اگر چه جزو آمار نیابوریم ولی آن‌ها را هم جزو آمار شاخه عمومی مدنظر قرار دادیم.

۴۳ رشته داریم، ۲۰ زمینه صنعت، ۱۹ رشته خدمات، و چهار رشته هم در زمینه کشاورزی. برای اینکه بتوانیم بحث کیفیت بخشی را در آموزش فنی و حرفه‌ای داشته باشیم، امسال چند برنامه را در اولویت کاری قرار داده‌ایم. اولین طرحی که اجرا کردیم ارتقای پایه علمی دانش‌آموزان ورودی اول دبیرستان به سال دوم است. درصد عمده‌ای از دانش‌آموزانی که سال اول هستند تجدیدی دارند و یا معدل‌های آن‌ها پایین است. به همین جهت جهت ارتقای علمی و وضعیت آموزشی دانش‌آموزان پایه اول ورودی دوم را جزو برنامه‌ها داریم.

● روی دروس نمره نظری تأکید کردید؛ شما روی ارتقای چه درس‌هایی تأکید دارید؟

○ روی دروس عمومی‌شان؛ چون دروس عمومی این‌ها ضعیف است. وقتی بچه‌ها وارد سال دوم شدند و بعد هم سال سوم، می‌بینید که اصلاً در دروس تخصصی و کارگاهی مشکل ندارند. یعنی خیلی راحت دروس تخصصی را می‌گذرانند و نمره می‌گیرند. یکی از دوستان که رئیس اداره آپ است صحبت می‌کرد و می‌گفت: پسر من سال سوم «برق» در یکی از دانشگاه‌های خوب تهران است. تابستان که برای بازدید می‌رفتم به او گفتم بیا با هم برویم. به رئیس هنرستان هم خبر دادم که با پسر من می‌آییم تا از قسمت الکترونیک دیدن کنیم. شب که برگشتیم پسر من از من خواست کاری کنم که او تابستان را برود در هنرستان بگذراند. خانمم خیلی تعجب کرد. پسر من می‌گفت من سه سال است دانشگاه خیلی خوب می‌روم. اما این امکاناتی که توی هنرستان‌هاست توی دانشگاه ما نیست. ضمن اینکه بچه‌های کارآموز بیشتر از من اطلاعات دارند. یعنی کسی که سه سال دانشگاه است دوست دارد با بچه‌های هنرستان‌ها کارآموزی کند. ما باید به خانواده‌ها بگوییم، آن‌ها هم قبول می‌کنند.

یکی از دلایلی که خانواده‌ها قبول نمی‌کنند بچه‌هایشان به سمت هنرستان‌ها بیایند، متأسفانه برمی‌گردد به وضعیت مشاوران. مشاوره تحصیلی ما اصلاً خوب نیست. بعضی از مشاوران ما دانش‌آموزان را می‌ترسانند که هنرستان جای بچه‌های درس‌خوان و خوب نیست! بزرگوار تعریف می‌کرد که من مدیر هنرستان بودم. دخترم گفت پایان سال است، می‌خواهم تعیین رشته کنم. پرسیدم بروم شاخه نظری یا هنرستان؟ پرسیدم مشاور مدرسه چه می‌گوید؟ گفت مدیر مدرسه دکترای مشاوره دارد. ما را به صف کرده و گفته بچه‌ها! هنرستان خوب است ولی اگر بروید هنرستان باید مرتب کارگاه بروید، چون در هنرستان زیاد درس ندارند که به شما بدهند، پس وقت آزاد زیاد خواهید داشت و چون وقت آزاد زیاد دارید ممکن است به کارهای خلاف کشیده شوید! بنابراین هنرستان نروید و همین‌جا در دبیرستان بمانید. خب این تفکر یک مشاور است؛ البته همه مشاوران به این صورت نیستند اما در مجموع اطلاعات مشاوران ما در مورد شاخه‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش کم است. به همین جهت اکنون که نظام جامع هدایت تحصیلی در حال تهیه است از اعضای کارگروه از دفاتر فنی و حرفه‌ای و کار دانش هم عضو هستند که برای هدایت تحصیلی

تعریف را عوض کنیم و حتی به مشاوران گفته‌ایم هر جلسه‌ای که می‌خواهید برای همکاران بگذارید ما را هم دعوت کنید، حداقل بیاییم و توضیح بدهیم که فنی و حرفه‌ای و کار دانش چیست؟ امسال همکاران یکی از استان‌ها می‌گفت کتابچه‌ای در هفته مشاغل تهیه کردیم و به همه مشاوران هم کتابچه را دادیم. بعضی از مشاوران زنگ می‌زدند و می‌پرسند: واقعا توانایی فنی و حرفه‌ای این است؟ شما این رشته‌ها را دارید؟ آن‌ها هم خبر نداشتند و نمی‌دانستند. فکر می‌کردند هر کسی رانده و مانده شد، باید بفرستند سمت فنی و حرفه‌ای. چند وقت پیش برای بازدید رفته بودم هنرستانی که مدیر مدرسه‌اش می‌گفت چند تا دانش‌آموزانم خیلی خوب هستند که الان هم رشته‌ای را که سال دوم می‌خواهند وارد شوند، انتخاب کرده‌اند ولی می‌گویند ما چه کار کنیم چون مشاور مدرسه راهنمایی گفته اشکالی ندارد سال اول بروید این هنرستان نمونه دولتی هم بخوانید، ولی سال بعد بیایید بیرون. مدیر می‌گفت علی‌رغم اینکه بچه‌ها علاقه دارند ولی مشاور روی آن‌ها طوری تأثیر گذاشته که دیگر نمی‌توانند تصمیم بگیرند. خود مدیر قسم می‌خورد که والدین می‌گویند ما می‌دانیم بچه‌هایمان اینجا کار یاد می‌گیرند ولی این‌طور جا افتاده که یک حالت سرشکستگی در مورد بچه‌هایی که در هنرستان درس می‌خوانند، در جامعه وجود دارد، متأسفانه! بنابراین یکی دیگر از برنامه‌های ما این است که فرهنگ آموزش‌های هنرستانی را در جامعه، در خانواده در آموزش و پرورش، بین مشاوران و... جا بیاندازیم.

بحث دیگر که در برنامه‌هایمان داریم، ارتقای وضعیت بهداشت و ایمنی در کارگاه‌ها در هنرستان‌هاست. بعضی از رشته‌ها پرخطرند. مثل رشته ساخت و تولید، رشته‌های متالوژی، صنایع فلزی و از این قبیل که در بودجه پیش‌بینی کردیم که این هنرستان‌ها شرایط اولیه بهداشت و ایمنی را در کارگاه‌ها اجرا کنند. بخش اول هزینه‌ها داده شده، برای بخش بعدی نیز در حال پیگیری هستیم.

### ● کل مبلغی که امسال به تمام هنرستان‌های کشور اختصاص داده‌اید، چقدر بوده؟

○ امسال با لطف خدا کل مبلغی را که دولت برای تجهیز هنرستان‌ها پیش‌بینی کرده بود گرفتیم. یعنی صددرصد اعتبار را گرفتیم. کل مبلغ ۲۵ میلیارد ۴۵۰ میلیون تومان بود. سال گذشته تقریباً ۱۳ میلیون

بود. که آن هم شاید ۵۰ - ۴۰ درصد اختصاص پیدا کرد. ولی امسال تقریباً بیش از ۲۵ میلیارد دادیم و گفتیم که براساس نیازهایی که خودشان در استان‌ها دارند بتوانند هنرستان‌ها را تجهیز کنند. اما بخشی از اعتبارات، در راستای برنامه‌های کیفیت‌بخشی وزارتخانه است که برنامه‌هایی مثل ارتقای بنیه علمی دانش‌آموزان، ارتقای ایمنی کارگاه‌ها و... در این راستا است و بودجه آن جدا از بودجه تجهیزات است و به استان‌ها اختصاص یافته و می‌یابد.

### ● آیا برای توزیع اعتبارات تجهیزات سرمایه‌های اولویت‌بندی هم کرده‌اید؟

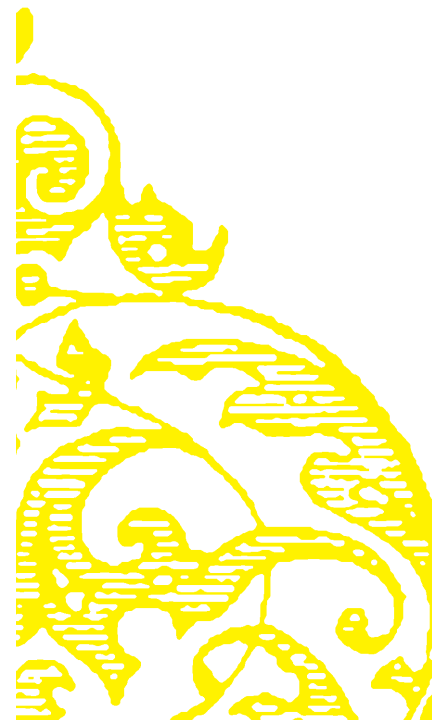
○ بله، ما در دو دفتر سیاست‌گذاری کردیم. به‌عنوان نمونه در رشته‌های که کتاب‌ها تغییر پیدا کرده، مثل رشته مکانیک خودرو یا رشته کامپیوتر که در این دو سال کتاب‌هایشان جدید شده، اعلام کردیم که برای ما به‌عنوان متولی بخش فنی و حرفه‌ای و کار دانش دیگر قابل قبول نیست که در هنرستانی که رشته مکانیک خودرو دارد، حداقل دو موتور خودروهای ملی و جدید وجود نداشته باشد. چون با این پولی که دریافت کرده‌اند باید تجهیزات را کامل کنند یا در رشته کامپیوتر الان همه باید ویندوز ۷ را نصب کرده باشند. بعد اعلام کردیم اگر کسی این نیازها را ندارد، اعتبار را به هنرستان‌های تازه تأسیس بدهیم. چون می‌دانستیم برخی‌ها با ارتباطاتی که دارند خودشان امکانات را گرفته‌اند. این را سیاست دوم خود قرار دادیم. این موارد را به‌عنوان کیفیت‌بخشی به استان‌ها دادیم.

### ● سیاست کیفیت‌بخشی استان‌ها را چگونه ابلاغ نموده‌اید؟

از کارهایی که امسال برای کیفیت‌بخشی برنامه‌ریزی کردیم، برگزاری مسابقات علمی - عملی و جشنواره هنرهای تجسمی است. تقریباً سه سال است که به‌صورت کشوری برگزار نمی‌شود. ما امسال به‌صورت کشوری، به امید خدا مسابقات و جشنواره را برگزار خواهیم کرد. ضمن اینکه به این نتیجه رسیدیم که امسال این مسابقه‌ها را در مرحله استانی هم متمرکز برگزار کنیم. علتش هم این است که سطح کیفیت آموزش هنرستان را بسنجیم. اما امسال بین ۱۲ الی ۱۵ هزار نفر در کل کشور در شاخه فنی و حرفه‌ای داریم که از آن‌ها امتحان می‌گیریم. قرارمان این است که برای مثال اگر از فصل اول

از کارهایی که  
امسال برای  
کیفیت‌بخشی  
برنامه‌ریزی  
کردیم، برگزاری  
مسابقه‌های علمی -  
عملی و جشنواره  
هنرهای تجسمی  
به صورت کشوری  
است





## از کارهایی که در برنامه‌های کیفیت بخشی انجام شده و در استان‌ها هم دارند انجام می‌دهند، بهبود کیفیت آموزش همراه با تولید است

یک کتاب یک سؤال آمده، این سؤال را در کل کشور آنالیز کنیم و باز خورد آن را به خود استان‌ها اعلام کنیم تا وضعیت آموزشی خود را در هر درس و در هر کتاب و در هر فصلی بدانند. یکی دیگر از کارهایی که در برنامه‌های کیفیت بخشی انجام شده و در استان‌ها هم دارند انجام می‌دهند، بهبود کیفیت آموزش همراه با تولید است. تفکری در هنرستان‌ها متأسفانه وجود دارد که بعضی‌ها کاری کرده‌اند که آموزش فدای تولید می‌شود. در حالی که اسم این برنامه آموزش همراه با تولید است. ما به همکارانمان اعلام کردیم اگر قرار است هنرستانی تولید داشته باشد، چه در زمینه کشاورزی، چه در صنعت و چه در خدمات، اگر قرار است دانش‌آموز اینجا کار یاد نگیرد، نمی‌خواهیم این کار انجام بشود. یعنی گفتیم آموزش همراه با تولید است. چون متأسفانه جاهایی داریم که درآمدهای خوبی هم دارند، ولی هنرجوی ما را اصلاً راه نمی‌دهند. یعنی در خود هنرستان کار تولیدی انجام می‌شود، ولی هنرجو دخیل نیست. حتی مدیر هنرستان با چند نفر از بیرون قرارداد بسته که بیایند و تولید کنند تا پولی برای هنرستان درآورد. کار آموزش و پرورش این نیست. من به شرطی مرغداری تأسیس می‌کنم که بچه‌های خودم هم توی آن مرغداری کار نکنند. سال ۷۸ وارد یک هنرستان شدم، کارگاهی بود که فلز کاری و جوشکاری انجام می‌شد. مدیر ما گفت به نظرت می‌شود اینجا جوجه پرورش داد؟ گفتیم از کی شروع کنیم؟ شاید باورش سخت است، اما شروع کردیم. با هنرجویان هم شروع کردیم. کلاسی انبارمانند را خالی کردیم و مقداری جوجه خریدیم و ریختیم آنجا. قبل از آن به بچه‌ها گفتیم که ما فقط ۲۰ روز وقت داریم تا این جوجه‌ها بزرگ بشوند، بعد باید به جای بزرگ‌تری منتقل شوند. قرار شد سالن سیاه جوشکاری را آماده کنیم. به بچه‌ها گفتیم باید رنگ بزنی، وسایل را جابه‌جا کنیم، اطاقکی درست کنیم و... یکیشان خیلی شیطان بود و همه نوع شیطنتی می‌کرد گفت با فرچه که نمی‌شود. باید بشکه را پر از رنگ کنیم و بیاشیم. بعد می‌آمد کنار من و مخصوصاً رنگ را طوری می‌پاشید که بریزد روی من و من هم هیچی نمی‌گفتم. چند سال بعد که دیدمش، گفت من همان روز دیدم شما اعتراض نکردی و حتی می‌خندیدی و رنگ را می‌پاشیدم. فهمیدم که باید کار یاد بگیرم. من الان هم که درباره آن روز صحبت می‌کنم، احساس خوبی دارم.

می‌خواهم بگویم بچه‌ها در هنرستان‌ها این طوری بودند. همان بچه وقتی مرغداری تأسیس شد تغییر پیدا کرد. آدم کاری شد.

در هنرستانی که خدمت می‌کردم روزی آدم نیکوکاری آمد و گفت می‌خواهم کتابخانه را با کتاب تجهیز کنم. کمک کردیم و کتابخانه زیر خوابگاه درست کردیم و کتاب هم تهیه شد. کارمان که تمام شد، خواستیم در را قفل کنیم. آن موقع من معاون بودم. مدیر هنرستان گفت چرا قفل می‌کنید؟ گفتم چون کتاب‌ها را ممکن است ببرند. مدیرمان گفت به نظر شما کتاب‌ها را کجا می‌برند؟ گفتم لابد می‌برند و در خانه می‌اندازند. ایشان گفت بالاخره یک روزی وقتی بیکار می‌شود این کتاب‌ها را به قول شما دزدیده، شاید تصمیم بگیرد ورق بزند ببیند چیه. یک صفحه‌اش را نگاه می‌کند یا نه؟ گفتم این امکان داره. گفت همون یک صفحه هم که بخواند، برای ما کفایت می‌کند. پس در کتابخانه نباید بسته باشد. این دیدگاه ایشان بود.

اگر روزی جوجه‌ای، مرغی یا حتی دامی تلف می‌شد اجازه می‌دادیم خود بچه‌ها کار را انجام دهند تا چیزی یاد بگیرند. یعنی با این تفکر کار کردیم. این را در جمع همکاران هنرستانی‌ام گفته‌ام اگر وسیله‌ای دارید در اختیار دانش‌آموز قرار بدهید خراب هم شد، بشود. تا وقتی خراب نشود که بچه یاد نمی‌گیرد. الان متأسفانه بخشی از همکاران ما تا اسم تولید می‌آید به همین بخش تولیدش می‌چسبند. الان به همه هنرستان‌هایی که می‌روم اعلام می‌کنم. مثلاً هفته پیش در استانی بودم. رفتیم صنایع نساجی. به رئیس هنرستان گفتیم آیا این‌ها می‌توانند فقط لباس کار هنرستانی‌ها را تولید کنند؟ گفتند بله می‌توانیم. گفتیم اگر پول هم می‌خواهید من حاضرم پول اولیه را تأمین کنم. اصلاً تنخواه می‌دهیم. ما دفتر می‌دهیم شما کار بکنید و بعد هم این لباس‌ها را بدهید به هنرستان‌ها تا توزیع شود و پول را هم برگردانید. می‌گفتند تا حالا کسی به ما چیزی نگفته بود و گرنه ما حاضریم لباس کار حداقل بچه‌های خودمان را تولید کنیم. در استانی دیگر، در یکی از شهرها، در رشته صنایع فلزی کار جالبی می‌کردند؛ میز و صندلی‌های شکسته مدارس را جمع کرده بودند. از تمام مدارس مرکز استان و شهرها جمع کرده بودند. پرسیده بودند آیا خودتان این‌ها را می‌خواهید؟ گفته بودند، مثلاً ده دوازده تایشان را می‌خواهیم. آن‌ها را تعمیر کرده بودند و در ازای تعمیر پول هم گرفته بودند. اما باقی را

در اکثر رشته‌ها به دنبال این هستیم شرایطی را فراهم کنیم که دانش آموز بدون کنکور بتواند وارد دانشگاه فنی و حرفه‌ای بشود

اجرا خواهد شد. به همین جهت تغییراتی در نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و کاردانش و حتی دوره متوسطه نظری داده خواهد شد.

مثلاً در شاخه فنی و حرفه‌ای باید ببینیم، با توجه به استانداردهای بین‌المللی، چه رشته‌هایی هستند که در سطح دیپلم به شغل می‌رسند؟ ممکن است الان به‌طور مثال رشته‌ای داشته باشیم که طبق استانداردهای بین‌المللی این رشته با مدرک فوق دیپلم تعریف شده که به اشتغال می‌رسد. ممکن است الان این رشته را در آموزش و پرورش تعریف نکنیم. رشته‌هایی که بین رشته‌ای با این رشته باشند، تعریف کنیم که بچه وارد دانشگاه شود و اگر آنجا فوق دیپلم خواند، بتواند وارد بازار کار بشود. بنابراین در رابطه با کارهایی که در دفتر انجام می‌دهیم، رشته‌های جدیدی را داریم تعریف می‌کنیم. منتها این رشته‌های جدید را منوط به این کردیم که ببینیم که تغییر نظام آموزشی که از سال ۹۵ وارد رشته‌های جدید می‌شویم و هنرستان‌ها سه ساله خواهند شد، چگونه است. الان هنرستان‌ها دوساله‌اند یک سال به پایه هنرستان‌ها اضافه می‌شود. یعنی این چیزی که ما دنبال می‌کنیم این است که آموزش‌های عملی افزایش پیدا کند. جلسه‌هایی که با دوستان در دفتر پژوهش کتب فنی و حرفه‌ای داریم این است که با این دید جلو برویم که اگر فنی و حرفه‌ای‌ها دوسال می‌خوانند و یاد می‌گرفتند، الان باید سه سال بخوانند. به عبارتی سطح آموزش‌های عملی بچه‌ها را بالا ببریم.

چنان درست کرده بوند که انگار نو خریده‌اند. همه را هم به کمک همان بچه‌های هنرجو. به همین جهت این بحث آموزشی همراه با تولید را تأکید می‌کنم که داریم برایش کار و برنامه‌ریزی می‌کنیم تا ان شاء الله کار مهمی انجام بشود.

## ● امسال تعدادی از رشته‌های آزمون کاردانی بدون کنکور عنوان شدند. آیا برای تمام رشته‌ها این برنامه را دارید تا هنرجویان بتوانند بدون کنکور وارد شوند؟

○ در زمینه ورود هنرجویان به دانشگاه امسال دانشگاه فنی و حرفه‌ای شرایطی فراهم کرد که هنرجویان توانستند در ۱۶ رشته بدون کنکور وارد بشوند. در برنامه‌ریزی برای آینده می‌خواهیم طوری شود که در همه رشته‌ها بدون کنکور وارد شوند اما در بعضی از رشته‌ها متقاضی زیاد است و دانشگاه فنی و حرفه‌ای برای آموزش ظرفیت ندارند. مجبوریم تعدادی را با کنکور جذب کنیم. ولی در اکثر رشته‌ها به دنبال این هستیم شرایطی را فراهم کنیم که دانش آموز بدون کنکور بتواند وارد دانشگاه فنی و حرفه‌ای بشود و بتواند حداقل تا مقطع فوق دیپلم پیش برود.

## در بخش دختران چه برنامه‌هایی دارید؟

○ در بخش صنعت، دختران استقبال نمی‌کنند این هم باز برمی‌گردد به فرهنگ خانواده‌ها و هم اشتغالی که ممکن است داشته باشند. به هر حال چون خانواده‌ها روی نمی‌آورند، کم‌کم بخش صنعت هم به این نتیجه رسید که در این زمینه نمی‌توان کاری انجام داد. حالا دنبال این هستیم که بعضی از رشته‌ها که تقاضای آن در بازار وجود دارد و دختران هم می‌توانند در این زمینه فعال بشوند، کار انجام دهیم. در همین زمینه با تفاهم‌نامه‌ای که وزارت صنعت معدن و تجارت اخیراً امضا شد و کارگروه‌هایش هم تشکیل شده و وزارت صنعت و معدن و تجارت هم اعلام آمادگی کرده که همه جور بتواند به آموزش و پرورش کمک کند. می‌توانیم بعضی از رشته‌ها را در زمینه‌های مختلف فعال کنیم. مثل هنرستان‌های وابسته به کارخانه‌ها را، که قبلاً هم بوده و متأسفانه تعطیل شده‌اند. این طوری می‌شود دختران را در برخی رشته‌های صنعتی فعال کرد. باز یکی از برنامه‌های کیفیت‌بخشی، ایجاد رشته‌های جدید است. از سال ۹۵ نظام جدید در دوره متوسطه



## ● اولویت اصلی دفتر برای ترویج رشته‌های فنی و حرفه‌ای چیست؟

○ آخرین موردی که در راستای برنامه‌های کیفی دفتر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌توانم بگویم، همین اولویت است. یعنی تبلیغ و ترویج رشته‌های فنی و حرفه‌ای یا بهتر است بگویم شاخه فنی و حرفه‌ای در جامعه است. فکر می‌کنم نیاز است بدانیم که اصلاً فنی و حرفه‌ای چیست و چه کاری می‌خواهد با این سابقه صدساله انجام بدهد؟ اول هم لازم است برای مجموعه مدیران تصمیم‌گیر در آموزش و پرورش جا بیفتد تا بعد بتوانیم به جامعه انتقال بدهیم. در حال حاضر تقریباً چهل و یک‌ونیم درصد از دانش‌آموزان پایه دوم و سوم متوسطه در هنرستان‌ها درس می‌خوانند. به همکاران گفته‌ایم هر جا صحبت کردید اسم فنی و حرفه‌ای را بیاورید که اگر حتی یک نفر از ما سؤال کرد که آقا فنی و حرفه‌ای چیست؟ ما مجبور شویم توضیح بدهیم. البته بهتر از من می‌دانید که در سطح کلان کشور، در سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴، در برنامه اقتصاد مقاومتی و سند اشتغال که ابلاغیه مقام معظم رهبری است و برنامه پنجم توسعه و در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، همه آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارتی در نظر داشته‌اند و ما برای اینکه به توسعه پایدار برسیم باید اشتغال ایجاد کنیم. اما چه کسی می‌تواند اشتغال ایجاد کند؟ فنی و حرفه‌ای می‌تواند. یعنی ما می‌گوییم دکترین فنی و حرفه‌ای ایجاد اشتغال است. پس اگر می‌خواهیم به توسعه برسیم باید به فنی و حرفه‌ای و کاردانش توجه کنیم. به همین جهت در زمینه برنامه‌های کیفیت بخشی، تمام سعی و تلاش را کرده‌ایم. الان هر بودجه‌ای هم که اختصاص پیدا

## دکترین فنی و حرفه‌ای، ایجاد اشتغال است



می‌کند. در همین پنج شش محوری است که عرض کردم تا ان شاء الله بتوانیم جایگاه فنی و حرفه‌ای در آموزش و پرورش را به‌عنوان متولی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی، یک قدم به جلو برداریم. یعنی از این جایگاهی که هست بتوانیم که یک مرحله جلوتر برویم. جامعه هم یقین دارد که اگر بداند فنی و حرفه‌ای چه نقشی در توسعه دارد، کمک می‌کند. اما باید مرتب معرفی کرد. مشاوران و مدیران مدرسه‌ها در شناساندن خیلی نقش دارند.

## ● پس به این ترتیب هم توسعه کمی را داشتیم با آن عدد و رقم‌هایی که شما گفتید و هم توسعه کیفی را. ولی مدیریت هنرستان نقش اساسی در توسعه کیفی دارد. نحوه تفکر مدیر هنرستان بسیار مهم است. ارزیابی شما از وضعیت فعلی مدیریت در هنرستان‌ها چیست و چه برنامه‌هایی برای ارتقای آن دارید؟

○ خوشبختانه نیروهایی که وارد هنرستان شده و در آنجا اشتغال دارند، عمدتاً نیروهای تخصصی هستند. منتها نیروهایی هستند که شاید تا بالای ۲۵ سال هم سابقه دارند. اینها در چند سال آینده از چرخه خارج خواهند شد؛ هم هنرآموز و هم مدیر و متأسفانه کادرسازی انجام نشده است، ما الان مدیرانی داریم که مدارکشان دیپلم و فوق‌دیپلم است. یعنی مدیر هنرستان فنی ما مدرکش دیپلم است. حالا هنرآموزانی که همه آچار به دست‌اند و معاون هم فنی است، با این مدیر چکار کنند؟ به‌همین جهت مصوبه شورای عالی تأکید می‌کند که مدیران باید مرتبط باشند. و از برنامه‌های دفتر برای سال آینده بهره‌گیری از مدیران مرتبط در هنرستان‌ها است. مدیران ما همه فعالیت‌های هنرستان‌ها را با جان و دل انجام می‌دهند و علیرغم کمبود امکانات، تجهیزات، سرانه و... به‌معنای واقعی مدیریت می‌کنند چون به کارشان ایمان دارند، اعتقاد دارند و می‌دانند هر هنرجویی را که تربیت می‌کنند و به جامعه می‌فرستند، هنرجویی که به‌جای کارجویی خودش کارآفرین است گامی در راه توسعه پایدار کشور برمی‌دارند. از همه این همکاران عزیزم سیاست‌گذارم و امیدوارم در راه خدمت به آینده‌سازان این کشور بیش از موفق باشند.

## ● دفتر مجله نیز از اینکه وقت خود را در اختیار ما قرار دادید تشکر می‌نماید.